



ارائه مدل ساختاری تأثیر نقش والدین بر بروز رفتارهای اجتماعی فرزندان

لیلا صفایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

چکیده

هدف اصلی این پژوهش ارائه مدل ساختاری تأثیر نقش والدین بر بروز رفتارهای اجتماعی فرزندان می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور بود که در حال حاضر تعداد ۳۸۵۳ نفر بوده که تعداد ۳۵۰ نفر با استفاده از روش تعیین حجم نمونه کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته بود که پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت. برای تکمیل فرایند در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جهت آزمون مدل تحقیق، از تکنیک معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار آماری Smart-PLS 3 استفاده شده و نتایج نشان دهنده برازش مناسب مدل است. یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که کلیه مؤلفه‌های نقش والدین (میزان تفاهم، نقش اصلاحی و تقویتی، نوع و نقش ارتباطی، میزان اقتدار، نوع و میزان نظارت، نقش الگویی و ثبات رفتاری) بر بروز و نمود رفتارهای اجتماعی فرزندان مؤثر بودند. نتیجه اینکه با بهبود نقش‌های والدین می‌توان از بروز رفتارهای اجتماعی مخرب فرزندان جلوگیری کرد و آنها را به سمت رفتارهای اجتماعی مطلوب سوق داد.

کلیدواژه‌ها: نقش والدین، رفتار اجتماعی، محیط تربیتی، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور

مقدمه

مخربی بویژه در سنین دوازده و سیزده سالگی روی نوجوانان بر جای می‌گذارد. به نظر می‌رسد که برای تضمین بهداشت روانی و کسب هویت و استقلال، سالم‌ترین راه این است که روابط نوجوانان با والدین دائمی و صمیمی باشد. از آنجا که نوجوانان آینده‌سازان کشور هستند، رسیدگی به مشکلات ایشان می‌تواند از وقوع حوادث ناگوار بعدی برای پرکردن خلاء عاطفی ممانعت نماید (نصیری^۵ و همکاران، ۲۰۰۱).

لذا از جمله دلایل پرداختن به مسأله نقش والدین بر بروز رفتار اجتماعی فرزندان، اهمیت و جایگاه ویژه والدین در این زمینه می‌باشد که مغفول ماندن از آن ضررات جبران‌ناپذیری بر پیکره خانواده و به طبع جامعه ایجاد خواهد کرد.

اولین محیط تربیتی که انسان تحت تأثیر آن قرار گرفته و شاکله تربیتی وی در آن محیط سازماندهی می‌شود، خانه و خانواده می‌باشد. منشاء پایدارترین تأثیرات عاطفی، روحی، اخلاقی و رفتاری در ساختار وجودی انسان، محیط خانواده می‌باشد؛ زیرا مناسبات و روابط عاطفی و الگودهی و فرهنگ‌سازی در این محیط انجام می‌پذیرد. آنچه در این محیط فرد را بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، فضای حاکم بر خانه و خانواده، مناسبات انسانی موجود، ساختار ویژه محبتی، اعتدال و عدم اعتدال در آن، فرهنگ خانوادگی، آرامش و عدم آرامش محیط خانه و خانواده، آسایش و عدم آسایش در آن، رفتارهای اعضای خانواده، شیوه‌ی مدیریت خانه، بهداشت خانواده، آموزش‌های درون خانوادگی، دیدگاه‌ها و رفتارهای تربیتی، باورها و اعتقادات... بوده، ضمن اینکه طولانی بودن دوران ارتباط‌های خانوادگی بخصوص در سال‌های اولیه زندگی هر فرد، به گسترده‌تر شدن دامنه‌ی این تأثیرات و نفوذشان بسیار کمک می‌کند (دلشاد تهرانی^۶، ۱۹۹۹).

لوی و کسر^۷ (۲۰۰۵)، معتقد است که، نهاد خانواده بسیار مورد توجه و عنایت الهی قرار دارد؛ زیرا نخستین نهادی است که فرد از بدو تولد تا پایان زندگی در آن به سر می‌برد لذا رشد و تکامل یا انحطاط وی در گرو نحوه تعامل او با سایر اعضا می‌باشد. خانواده اولین محیط اجتماعی، حداقل در سال‌های اولیه زندگی و نخستین مکان تجربه احساس امنیت برای هر یک از افراد آن است. نحوه تربیت فرزندان، ثبات خانواده و شرایط اقتصادی -

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و اهمیت آن، از این روست که نه تنها محیط مناسبی برای همسران است، بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آینده را نیز بر عهده دارد. هم‌اکنون خانواده‌ها دچار انواع آسیب‌پذیری و بحران هستند که به اعتقاد پژوهشگران این بحران‌ها حاصل خانواده‌های مشکل‌دار و ساختار ناسالم و دارای ارتباط نامطلوب والدین با فرزندان است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روش‌های تربیتی والدین اثرهای طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت، بر شخصیت افراد در آینده دارند (یعقوبی‌دوست و عنایت^۱، ۲۰۱۳).

یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی، خانواده است که بعد کارکردی آن در مطالعه‌های مختلف مورد تأمل قرار گرفته است. والدین با رفتارهای خود، آفریننده‌ی موقعیت‌هایی هستند که رفتارهای خاص را در فرزندان برمی‌انگیزند و یا سرمشق‌هایی را برای الگوسازی در اختیار آنها قرار داده و یا به تشویق دسته‌ی خاصی از رفتارها می‌پردازند. شخصیت افراد خانواده بویژه والدین از جمله عناصر مداخله‌کننده در روابط بین شخصی است (نجمی^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

از میان عواملی که بر اجتماعی شدن تأثیر می‌گذارد، والدین مهم‌ترین عامل هستند. از آنجا که افراد بیشترین دوران زندگی خود را قبل از بلوغ در درون خانواده می‌گذرانند در فرایند جامعه‌پذیری خود تا حد زیادی از ارزش‌ها و نگرش‌ها و ساختارهای اقتصادی و فرهنگی حاکم بر خانواده تأثیر می‌پذیرند (مرعشیان^۳، ۱۳۹۰). ناهماهنگی میان والدین و فرزندان بزرگترین مشکل در روابط انسان‌هاست که به اعتقاد پژوهشگران بیشترین اختلاف‌های والدین و فرزندان در دوره نوجوانی فرزند پیش می‌آید. ورود به دوره نوجوانی علاوه بر خانواده، فرد را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌کند که یکی از مشکلات نوجوانی و جوانی مشکل مناسبات و روابط نوجوان با والدین و همسالان است (شمسی-هوجقان^۴، ۲۰۲۰). علی‌رغم تمایل فراوان جوانان در اوان نوجوانی به رهایی از قیود و محدودیت‌های خانوادگی، نبودن روابط مطلوب و همبستگی‌های خانوادگی اثرات

1 Yaqoubidoust & Inayt

2 Najmi & Hasanzadeh

3 Marashian

4 Shamsi Houjghan

5 Nasiri

6 Delshad Tehrani

7 Levy & Keser

است. زیرا بخش مهمی از شخصیت انسان که در تعیین سبک خطمشی وی در آینده نیز تأثیرگذار است، در این محیط پایه‌گذاری می‌شود. با نگاهی به زندگی افراد متوجه می‌شویم بسیاری از رفتارهای آنان متأثر از محیط تربیتی اولیه‌ای است که قبل از ورود به مدرسه در آن رشد و نمو داشته‌اند. از آنجا که الگوهای تربیتی از عوامل تأثیرگذار بر تربیت افراد بوده و دختران و پسران پرتلاش، پا ک و با تربیت، رفتار خود را حاصل پیروی از الگویی یاد می‌کنند که سراسر شایستگی و کمال بوده است (غلامی³، ۲۰۰۵). خانواده به‌عنوان نقش الگویی بسیار مناسب تأثیر فوق العاده‌ای بر سلامت فرد و به تبع آن سلامت جامعه دارد و ماحصل این نهاد که پرورش یافتگان آن می‌باشند، پس از ورود به اجتماع، با انتقال ویژگی‌های سالم یا ناسالم خود که قبلاً از محیط تربیتی خود دریافت کرده بودند، سعادت یا شقاوت فرد و جامعه را رقم می‌زنند.

همه آنچه بیان گردید حاکی از نقش و جایگاه والدین در ساختار رفتار فرزندان و تأثیر آن در سعادت و رفاه خانواده است که شاید بی‌نیاز از شرح و گفتگو باشد. اما باید توجه داشت که سلامت یک جامعه به سلامت خانواده‌های آن وابسته است و امروزه بحران فروپاشی خانواده و پیامدهای ناگوار آن ضمن تحمیل هزینه‌های گزاف بر جامعه که شاید جبران آن سال‌ها طول بکشد یا هرگز جبران نشود، به کل جامعه آسیب جدی غیرقابل جبران وارد می‌کند، از این رو، توجه به ساختار مناسب خانواده در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار فرزندان ضرورت تحقیق را دو چندان می‌کند. بنابراین پژوهش حاضر در صدد است تا میزان تأثیر خانواده (ساختار، کارکرد و نقش والدین) را در ظهور و بروز رفتار اجتماعی (میزان مشارکت اجتماعی، بردباری، روابط، میزان سازش-کاری و انطباق الگویی) فرزندان را در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور مورد مطالعه قرار دهد.

ادبیات نظری

برنامه‌هایی که در ذهن انسان درونی می‌شود و به شکل باورها و رفتارهای او بروز می‌نماید، ناشی از تعاملاتی است که انسان با گستره واقعیت در حوزه زندگی خود دارد، که این برنامه‌ها به نوعی پاسخ به آن شرایط تعاملی به حساب می‌آید (احمد و عبدی⁴، ۲۰۰۱). لذا در صورت

اجتماعی‌ای که در آن فرزندان پرورش می‌یابند نیز هر یک نقش مؤثری در پاسخ‌گویی به نیازهایی چون امنیت، ایمنی و سلامت در انسان دارند.

طبق آموزه‌های دینی از آنجا که بنیان زندگی مشترک، رسیدن به آرامش و هم‌گرایی عاطفی میان زن و مرد و به تبع آن فرزندان می‌باشد لذا دستیابی به این هدف، نیازمند کوشش اعضا خانواده و شناسایی عوامل تحکیم روابط و موانع آن است و شناخت این عوامل و آموزش مهارت‌های پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی، از مهم‌ترین اسباب تحکیم خانواده و موفقیت و کارآمدی آن است. به دلیل جایگاه مهمی که آرامش و رضامندی از زندگی خانوادگی، در تکامل معنوی انسان داراست، دین اسلام آموزه‌ها و سفارش‌های فراوانی در این مورد دارد و از آسیب‌ها و عواملی که کیان خانواده و آرامش آن را بر هم می‌زند، سخن می‌گوید (نوری، ۲۰۱۰¹).

شکل‌گیری رفتارها، طرز تفکرات، اعتقادات، فرهنگ و ایدئولوژی‌های هر فرد در خانواده آغاز و در کل خانواده و بهترین الگو برای فرزندان می‌باشد. عواملی چون شخصیت والدین، میزان اعتقادات آنها، سلامت روانی و جسمانی، شیوه‌های تربیتی اعمال شده در داخل خانه، شغل و تحصیلات والدین وضعیت اقتصادی و فرهنگی، میزان تفاهم والدین، نقش اصلاحی و تقویتی، نقش ارتباطی والدین، میزان اقتدار، میزان نظارت، نقش الگویی و ثبات رفتاری و بی‌نهایت متغیرهای دیگر در خانواده وجود دارد که شخصیت فرزندان، سلامت روانی و جسمانی آنها، آینده شغلی، تحصیلی، سازگاری اجتماعی و فرهنگی، تشکیل خانواده و غیره را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد که در این مجموعه به برخی از مهم‌ترین عوامل پرداخته می‌شود. انسان اصالتاً موجودی اجتماعی است یعنی حیات و زندگی پویا و مولد وی در گرو روابط بین فردی و ارتباطات مؤثر و مفید و متقابل با دیگران است، لذا همه انسان‌ها نیازمند رابطه و برقراری ارتباط با دیگران بوده و بدون ارتباط مؤثر اجتماعی و تعامل بین فردی، انسان نمی‌تواند به رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت خود برسد (پناهی، ۲۰۰۱²).

باید توجه داشت که خانواده اولین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد، لذا دارای اهمیت قابل توجهی

3 Gholami

4 Ahmadi & Abdi

1 Nouri

2 Panahi

روابط و داد و ستد عاطفی اعضای خانواده بویژه زن و شوهر از مهم‌ترین شناسه‌های سلامت و موفقیت خانواده و یا ضعف و ناکارآمدی آن است هر عاملی که باعث به وجود نیامدن و یا از میان رفتن تفاهم و توافق زوجین و ناسازگاری زناشویی شود، مانع ثبات و استحکام خانواده است طبق آموزه‌های دینی، بنیان زندگی مشترک، رسیدن به آرامش و هم‌گرایی عاطفی میان زن و مرد است (نوری، ۲۰۱۰).

خانواده بهترین محیط برای شکل‌گیری شخصیت فرزند است. خانواده به فرزند می‌آموزد که چگونه ارتباط برقرار کند، هماهنگی کند، تأثیر بگذارد و تأثیر بپذیرد (نجمی و حسن‌زاده^۲، ۲۰۰۹). خانواده در انتقال ارزش‌ها به نسل آینده بیشترین نقش را ایفا می‌کند و زمینه‌ساز سلامت اخلاقی فرزند است (زیبایی‌نژاد و سبحانی^۳، ۲۰۱۲). کلاس اول تربیت و آموزش انسان در خانواده است و کودک دروس اولیه زندگی را از پدر و مادر و اطرافیان فرا می‌گیرد. اگر کانون خانواده گرم و دوستانه باشد و پدر و مادر و اعضای دیگر خانواده، دارای روابط خوب و صمیمانه‌ای باشند، معمولاً کودکانی سالم، با شخصیتی مثبت و فعال در آن پا به عرصه جامعه خواهند گذاشت؛ وگرنه افرادی بی‌بندوبار و لاپهالی، بزهکار و بی‌دین و ... وارد عرصه جامعه شده و چون خود مفسدند، فساد به بار می‌آورند. پی بردن به ارزش و اهمیت هر چیزی مستلزم شناخت حقیقت آن می‌باشد؛ زیرا اگر انسان به ارزش واقعی چیزی پی نبرد برای حفظ و نگهداری آن اهتمام نمی‌ورزد. خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد برای رشد و پرورش محسوب می‌شود. رفتار هر عضو خانواده بر رفتار دیگر اعضا تأثیر دارد و سیستم خانوادگی سیستم پویاست و دائماً با رویدادهای تازه، تغییرات رشدی اعضای خانواده و تغییرات اجتماعی سازگار می‌شود. اما علی‌رغم این تغییرات می‌توان ویژگی‌های با ثباتی را در عملکرد خانواده‌ها یافت که نحوه‌ی رفتار والدین با فرزندان و ارتباط خواهران و برادران را با یکدیگر تعیین می‌کنند. علاوه بر آن ارزش‌ها، باورها، انتظارات و آیین و رسوم فرهنگی هم بر تمامی جنبه‌های زندگی روزمره تأثیر می‌گذارند (بخشانی، ۲۰۱۵).

تغییر شرایط محیط یا نوع تعامل افراد، برنامه‌های جدیدی به سبب تعاملات جدید در ذهن او متجلی شده و جهت پاسخ به شرایط تعاملی جدید، در قالب باورها و رفتارهایی از او بروز می‌کند (احمدی و عبدی، ۲۰۰۱). در این شرایط است که ما در یک جامعه معین با دو گروه باورها و رفتارهای متفاوت روبه‌رو می‌شویم که در مواردی با هم در تضاد یا تناقض هستند. گروه، نسل یا قشری تعاملی که به تعاملات گذشته پاسخ می‌گویند و گروه، قشر یا نسلی که از تعاملات جدید پیروی می‌کنند.

مطالعات نشان می‌دهد که قضاوت ساده و منفی درباره اختلافات خانوادگی و بین نسلی، نه تنها با واقعیات موجود در زندگی خانوادگی تطبیق نمی‌کند، بلکه ممکن است خود یکی از عوامل مشکل‌آفرین موجود در بین خانواده‌های بسیاری باشد (مظاهری و بانکی‌پورفرد^۱، ۲۰۱۳). بدین معنا که اولاً، خانواده‌هایی که این تصویر نادرست را دارند که وجود اختلاف‌نظر و حتی تعارض در خانواده میان آنان و فرزندان‌شان و بالعکس، منحصر به فرد است و ممکن است خانواده خود را، یک خانواده ناسالم و غیرقابل تحمل تلقی کنند، در نتیجه آن را رها کرده و یا اقدام به از هم پاشیدن خانواده خود کنند. در حالی که اگر بدانند اساساً روابط افراد و بین اعضای خانواده تنش‌زا و اختلاف‌برانگیز است و کم و بیش شامل همه خانواده‌ها می‌باشد، سعی می‌کنند مشکلات موجود را بیش از پیش تحمل کنند. ثانیاً، اگر اعضای خانواده بدانند که تا حدی اختلاف و تعارض در خانواده، میان والدین و فرزندان نه تنها بد نیست، بلکه برای رشد خود آنان ضرورت دارد و باید با نگاه مثبت به آن نگریسته شود و بجای کوشش در حذف و از بین بردن آن، سعی در بهره‌برداری مثبت از آن نموده و راه کنار آمدن و مهار کردن و مدیریت اختلافات را فراگیرند و از آن برای شناخت بهتر یکدیگر و رشد فکری و اخلاقی و فضای خود بهره‌برداری مثبت کنند (پناهی، ۲۰۰۱).

خانواده، سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد تک‌تک افراد جامعه، نقش مهمی دارد. تلاش برای استحکام خانواده و سلامت آن، زمینه سلامت و سعادت عمومی را فراهم می‌سازد این نهاد مقدس نیز ممکن است دچار آسیب‌هایی شود که سلامت آن را تهدید کند که منشأ اصلی این آسیب‌ها خدشه‌دار شدن روابط سالم اعضای خانواده با یکدیگر است چگونگی

2 Najmi & Hasanzadeh

3 Zibaeinejad & Sobhani

1 Mazaheri & Bankipourfard

از بهترین عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، اخلاقی، روانی و اجتماعی فرزند، الگودهی است (بخشانی، ۴، ۲۰۰۹). والدین نخستین الگوهای تربیتی فرزندانند و مسئولیت‌های دشواری در این زمینه بر عهده دارند، مسئولیتی که باعث رشد و شکوفایی عواطف و فضایل اخلاقی خود و در پی آن فرزندان می‌شود. والدین با این مسئولیت باید نمونه افراد صالح و شایسته باشند و خوبی‌ها را برای فرزندان در عمل به نمایش بگذارند تا امیال فطری آنان به رفتارهای شایسته و نیک از حالت بالقوه به فعلیت برسند؛ زیرا اگر پدر و مادر به این نکته توجه نکنند، نه تنها زندگی فردی خود را با ناپاکی‌ها می‌آلیند، زندگی توأم با ناشایستگی‌ها برای فرزندان خود ترسیم خواهند کرد (فقیهی و نجفی، ۵، ۲۰۱۲). شرط اساسی در این اثرگذاری، برخورداری والدین الگو از شخصیت مطلوب و انجام رفتارهای ارزشی است، چرا که بدون آن نمی‌توانند این نقش را داشته باشند.

مسئولیت‌پذیری یک مهارت است و همانند هر نوع مهارتی آموختنی و اکتسابی است و به طبع از ابتدای زندگی و بتدریج ایجاد می‌شود. به این معنا که یک فرد هرگز نمی‌تواند رفتاری مسئولانه از خود نشان دهد، جز آنکه آن را در طول زندگی خود آموخته باشد. از آنجا که مهارت مسئولیت‌پذیری در خلال زندگی و پرورش فرد به دست می‌آید، خانواده در این خصوص جایگاه ویژه‌ای می‌یابد (نوروزی و بختیاری، ۶، ۲۰۱۸). از طریق خانواده است که نوجوان یاد می‌گیرد چگونه با دیگران معاشرت کند، نظم و انضباط را در امور در اولویت قرار دهد، سازگاری داشته باشد و مسئولیت اعمال خویش را به عهده بگیرد. طرز برخورد والدین با نوجوانان نیز در مسئولیت‌پذیری آنان بسیار مهم است (سفیری و چشمه، ۷، ۲۰۲۲).

یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی، ارتباط فرد و جامعه است. فرد با زندگی و همکاری با دیگران جامعه را پدید می‌آورد. از آنجا که انسان موجودی طبیعتاً اجتماعی است و نمی‌تواند امور خود را به تنهایی انجام دهد، نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است. در این ارتباط هر کدام از افراد با ایفای نقش خاص خود، در عین انجام وظایف مشترک، زمینه سلامت و پویایی جامعه را فراهم می‌سازند. شرط آنکه هر عضو نقش خود را به خوبی ایفا کند،

هیولت و وست^۱ (۱۹۹۸)، معتقد است که پیوند میان پدر و مادر در تحلیلی بنیادین، از قوی‌ترین و قدیمی‌ترین دل‌بستگی‌های بشری است. هنگامی که این پیوند تضعیف و فرسوده شود، پیامدهای ویرانگر آن در سراسر کشور دیده می‌شود؛ زیرا این پیوند اساسی، والاترین منبع به هم پیوستگی جامعه است. وی در ادامه می‌گوید، اگرچه نفوذ و اقتدار در خانواده امری ضروری است اما این روزها آنچه گم شده است و کمتر یافت می‌شود، اقتدار والدین است. اهمیت و نقش و جایگاه والدین در ساختار خانواده و تأثیر آن در سعادت و رفاه فرزندان امری بدیهی است اما تضعیف اقتدار و نقش والدین یکی از علل فروپاشی خانواده می‌باشد (یعقوبی - دوست و عنایت، ۲۰۱۳).

نظارت را می‌توان عملی انتخابی و آگاهانه دانست که آشکارا یا مخفیانه در حوزه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی به‌منظور آگاهی از عملکرد نظارت شونده، جلوگیری از خطا و اشتباه، مبارزه با فساد و حفاظت و صیانت از حقوق و آزادی‌ها از طریق ابزارها و شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرد. در زندگی اجتماعی، هدف از نظارت، سالم‌سازی محیط زندگی، خیرخواهی و رشد و بالندگی است که از نظر اسلام یک وظیفه و از مظاهر امر به معروف و نهی از منکر شمرده می‌شود (جوان‌آراسته، ۲، ۲۰۰۵). از ویژگی‌های بی‌نظیر خانواده، حضور مدام در عرصه‌های مختلف زندگی در کنار فرزند است. ارتباط والدین با فرزند محدود به اوقات خاصی از زندگی نیست و آنها در همه لحظات در کنار فرزند و نظاره‌گر حالات، رفتار و گفتار اویند. بدین ترتیب در فراز فرودهای زندگی که فرزند قابلیت و توانمندی را می‌آزماید، این موقعیت برای والدین نیز فراهم می‌شود تا بتوانند در مواجهه او با مشکلاتش، نقاط قوت و ضعف او را بهتر بشناسند (بانکی‌پور^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). کنترل و نظارت اشاره دارد به حد و اندازه‌ای که والدین رفتار فرزندان‌شان را کنترل کرده و از آنها مراقبت می‌کنند. به عبارت دیگر، بر میزان دخالت والدین بر نحوه و چگونگی رفتار فرزندان - شان دلالت دارد (شمسی‌هوجقان و همکاران، ۲۰۲۰).

4 Bakhshani

5 Faqih & Najafi

6 Nowrouzi & Bakhtiari

7 Safiri & Cheshmeh

1 Hewlett & West

2 Jovan Arasteh

3 Bankipour

تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (نوروزی و بختیاری^۵، ۲۰۰۹). مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن، اجتماع، جماعت یا گروه، به هم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند. همچنین فرایندی است که از طریق آن شخصیت انسانی شکل می‌گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می‌شود.

هیولت و وست (۱۹۹۸) به تقسیم‌بندی ارزش‌ها در دو بعد مادی و فرامادی پرداخته و از نظر وی ارزش‌های مادی مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد هستند و مستقیم با حیات طبیعی او ارتباط دارند و در مقابل ارزش‌های فرامادی در جهت ارضای نیازهای فرازیستی انسان می‌باشند. حفظ نظم در کشور، مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، اطمینان از اینکه کشور نیروی دفاعی نیرومند دارد، حفظ اقتصاد با ثبات و مبارزه با تبهکاری از مؤلفه‌های ارزش‌های مادی است. اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیرهای دولت، دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع‌شان، کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر و حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه در آن بیش از پول است، از مؤلفه‌های ارزش‌های فرامادی است.

احساسات، رجحان‌ها، خلق‌وخوی و مجموعه‌ای از اعمال از قبیل: فعالیت‌های ورزشی و فعالیت‌های تفریحی، تعیین‌کننده‌ی حافظه جمعی و خلق فرهنگی یا سنت نسلی می‌باشند که با مدیریت منابع نسلی در طول زمان و فضا ملاحظه می‌شود. افزون بر مشارکت در فرهنگ جمعی مشترک نسل ممکن است همچون هم دوره‌ای دیده شود که دستیابی استراتژیک به منابع از طریق مراسم به دست می‌آید:

- ۱- ارزش‌ها حاصل سه سطح اجتماعی می‌باشند:
- ۱- سطحی که در آن مفهوم‌های مطلوب توسط فرهنگ مشخص می‌شود.
- ۲- سطحی که خانواده و رویکردهای آن را به سوی همان ارزش‌ها و هدف‌ها نشان می‌دهد.
- ۳- سطحی که در آن ارزش‌های فرد توسط جنبه‌های اجتماعی فرعی مانند سطح اقتصادی - اجتماعی، دین، نژاد، شغل، سطح آموزش و غیره تعیین

همکاری با تمام اجزای دیگر است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۲۰۱۲).

معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی انسان است. ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که حتما باید زندگی اجتماعی داشته باشد. هیچ انسانی در شرایط عادی به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد. آدمیان نه تنها برای آغاز حیات خود نیازمند دیگران هستند، بلکه در مراحل بعدی زندگی نیز به دیگران محتاج‌اند (زارع‌قنات‌نوی^۱، ۲۰۲۴). نخستین گروهی که هر کس با آن روبه‌رو می‌شود خانواده است، و ارتباط انسان با خانواده و احتیاج او به آنان امری مدام و پایدار و در اغلب موارد تا آخرین ساعات زندگی ادامه دارد. در مراحل بعد، همسالان و همسایگان و دوستان هستند که در شکل‌گیری شخصیت آدمی تأثیر فراوانی دارند و سپس تعامل انسان با اجتماع‌های بزرگتری چون شهروندان و جامعه جهانی است که در تکوین شخصیت اجتماعی، اخلاقی و سیاسی او تأثیری انکارناپذیر دارد (شریفی، ۲۰۰۶)^۲

وقتی افراد جامعه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند یک هویت جمعی مستقل به وجود می‌آورند و با کنار هم قرار گرفتن، به یک عقل و روح و احساس جمعی که متمایز از عقل، روح و احساس فردی آنان است تبدیل می‌گردند. از آنکه اسلام دینی اجتماعی است نه فردی و برای فرد و جامعه اصالت قائل است اما در مقام تراحم میان مصلحت فرد و مصلحت جامعه، به تقدم مصلحت جامعه بر مصلحت فرد حکم می‌کند. از نظر عقل و منطق نیز راه دیگری وجود ندارد؛ زیرا در غیر این صورت نظم اجتماعی مختل می‌گردد. تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد به اسلام اختصاص ندارد و تقریباً در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است (جوان‌آراسته^۳، ۲۰۰۵؛ ذکایی‌فر و موسی‌زاده^۴ 2020).

یکی از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان‌هاست. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن هم فکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در

1 Zare Ghanat Navi

2 Sharifi

3 Javan Arasteh

4 Zokaeifar & Mousazadeh

پرداختند. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود. حجم نمونه ۳۰۰ نفر و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند که در نهایت ۲۸۶ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های شیوه‌های برخورد با هیجانات منفی کودکان CCNES، مشکلات در نظم‌بخشی هیجانی (DERS) و آزمون مختصر توانمندی‌های منش (BST) بودند. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 و همچنین جهت انجام معادلات ساختاری از نرم‌افزار PLS-SEM3 استفاده شد. به‌طور کلی بر اساس نتایج می‌توان گفت که توانمندی‌های منش شخصیت که تشکیل دهنده فضیلت‌های انسان هستند، می‌توانند منجر به افزایش تنظیم هیجانی و همچنین منجر به کاهش برخوردهای غیرحمایتی CCNE والدین گردند.

ناظمی‌هرندی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی نقش استرس والدین و حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی مشکلات هیجانی اجتماعی کودکان شهر پردیس تهران پرداختند. پژوهش حاضر، کاربردی و از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل همه والدین (به همراه کودکان) مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر پردیس تهران در سال ۱۳۹۹ دارای فرزند زیر ۵ سال بود که از بین آنها با روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۳۰ نفر انتخاب شدند. نتیجه-گیری نتایج این تحقیق نشان دهنده آن است که مؤلفه‌های استرس والدینی و منبع حمایتی دوستان می‌تواند در پیش‌بینی مشکلات هیجانی اجتماعی مؤثر باشد.

جاجرمی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به ارائه مدل علی‌گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس نگرش مذهبی و سبک‌های فرزند پروری والدین: با میانجی‌گری چشم‌انداز زمان پرداختند. پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت کاربردی، نوع کمی و از نظر فرایند و روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه‌ی آماری پژوهش مورد نظر، کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه‌ی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۲۵۱۰۰۰ نفر بودند. نمونه پژوهش با استفاده از

می‌شوند. با توجه به نظریه بنگستون، در سطح اول، رشد فرزند هم تحت تأثیر رویکردهایی است که از فرهنگ، جامعه و خانواده‌هاش می‌پذیرد و هم فعالیت اجتماعی ساختاری است که وی از آن، رفتارها، باورها، معیارها و ارزش‌هایش را کسب می‌کند. در سطح دوم، پذیرش ارزش‌ها و معیارهای والدین به وسیله فرزندان به مقدار گرمی و محبتی بستگی دارد که فرزند در ارتباط با آنها از آن بهره‌مند می‌گردد در خانواده‌های که در آن فرزند روابط صمیمانه‌ای را تجربه نموده است، علاقه‌مند به حفظ این رابطه و نگران از دست دادن آن است. و در نهایت در سطح سوم، ضمن اینکه والدین ارزش‌های خاصی را در طبقات اجتماعی اقتصادی خاص به فرزندان‌شان انتقال می‌دهند، افراد طبقات متوسط نیز در ارزش‌های‌شان به رویکرد درونی توجه دارند و بیشتر از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می‌کنند، برعکس، طبقات پایین از روش خشک (تنبیه) استفاده می‌نمایند. به عقیده بنگستون جنسیت نیز در میزان توجه به ارزش‌های خاص تأثیرگذار است (خلیفه، ۱۹۹۹).

پیشینه پژوهش

کریمی و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی به تبیین مهارت اجتماعی فرزندان بر اساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی‌گری روابط والد-کودک پرداختند. جامعه آماری این پژوهش را اولیای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تشکیل دادند که از این تعداد ۳۰۰ نفر به روش خوشه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش مقیاس‌های رابطه والد-کودک پیناتا (۱۹۹۲)، نقص تنظیم هیجان گراتز و رونمر (۲۰۰۴) و نظام رتبه‌بندی مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت (۱۹۹۰) بودند. جهت تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری به روش حد اقل مربعات جزئی (PLS-SEM) استفاده شد. می‌توان گفت که اگر چه تنظیم هیجان در والدین به تنهایی تبیین‌کننده مهارت اجتماعی در فرزندان نبود؛ اما به واسطه افزایش نزدیکی والد-کودک می‌تواند منجر به مهارت اجتماعی در فرزندان شود. در نتایج پژوهش حاضر نقش متمایز آگاهی هیجانی نسبت به سایر مؤلفه‌های تنظیم هیجان مورد توجه قرار گرفت.

شریفی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی به بررسی نقش توانمندی‌های منش والدین در تبیین اجتماعی‌سازی هیجانی با توجه به نقش میانجی‌گری نظم‌بخشی هیجان

تعیین حجم نمونه کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش از طریق پرسشنامه انجام شده است. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه برای تعیین روابط بین متغیرهای پژوهش استفاده شده است که برای ساختن این پرسشنامه از پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته شده، استفاده گردیده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۷ سؤال مربوط به مشخصات فردی، ۱۸ سؤال مربوط به مشخصات والدین و ۴۸ سؤال مربوط به مسائل تحقیق است که روابط بین مؤلفه‌های تحقیق را می‌سنجد. مقیاس مورد استفاده در این پرسشنامه مقیاس لیکرت از نوع ۵ گزینه‌ای می‌باشد.

برای برآورد پایایی پرسشنامه تعداد ۳۲ پرسشنامه در مرحله پیش‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت و بعد از استخراج، نمرات مربوط به هر پرسشنامه وارد و از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب زیر برای هر مقیاس به دست آمد. از آنجا که همه ضرایب به دست آمده برای متغیرها بالای ۰/۷۰ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش پایا و اعتمادپذیر می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ حاصل از آزمون ۰/۸۳ است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت. برای تکمیل فرایند در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جهت آزمون مدل تحقیق، از تکنیک معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار آماری Smart-PLS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

مشخصه‌های آمار توصیفی و آزمون:

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است

فرمول کوکران ۳۸۳ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه فرزند پروری ادراک‌شده بوری (PAQ)(1991)، نگرش‌سنج مذهبی گلریز و براهنی (۱۳۵۳)، پرسشنامه چشم‌انداز زمان زیمباردو (ZTPI) (1999) و مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی زاده‌محمدی و همکاران (۱۳۹۰) استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که گرایش به رفتار پرخطر با نگرش مذهبی با سبک‌های فرزندپروری رابطه مستقیم دارد. همچنین گرایش به رفتار پرخطر بر اساس نگرش مذهبی با میانجی‌گری چشم‌انداز زمان رابطه غیرمستقیم دارد.

گودینی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر آموزش مدیریت هیجان به مادران بر مشکلات رفتاری فرزندان از دیدگاه والدین پرداختند. مطالعه حاضر از نوع نیمه‌تجربی بود که در آن از طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با یک گروه کنترل استفاده شده است. از بین مدارس پسرانه مقطع ابتدایی در شهر کرمانشاه یک مدرسه به شیوه در دسترس انتخاب شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که پس از شرکت مادران در جلسات آموزش مدیریت هیجان، کاهش معناداری در نمره مؤلفه‌های مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری و بیش‌فعالی، اضطراب و ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضداجتماعی و نمره کلی اختلال‌های رفتاری در فرزندان مادران گروه آزمایش مشاهده شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر را از نظر هدف آن می‌توان از دو زاویه بنیادی و کاربردی مورد توجه قرار داد. این پژوهش یک تحقیق بنیادی است از این نظر که موضوع کاملاً به مباحث بنیادی در امر روابط خانوادگی که اساس و بنیان جامعه بر آن استوار است می‌پردازد. اما از آنجایی که نتایج حاصل از تحلیل یافته‌های آن می‌تواند در عرصه عمل راهگشا باشد، این تحقیق را می‌توان یک تحقیق کاربردی نیز خواند. این پژوهش از نظر روش نیز یک پژوهش توصیفی است و از لحاظ نوع روش، پژوهش پیمایشی می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش، کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور بود که در حال حاضر تعداد ۳۸۵۳ نفر بوده که تعداد ۳۵۰ نفر با استفاده از روش

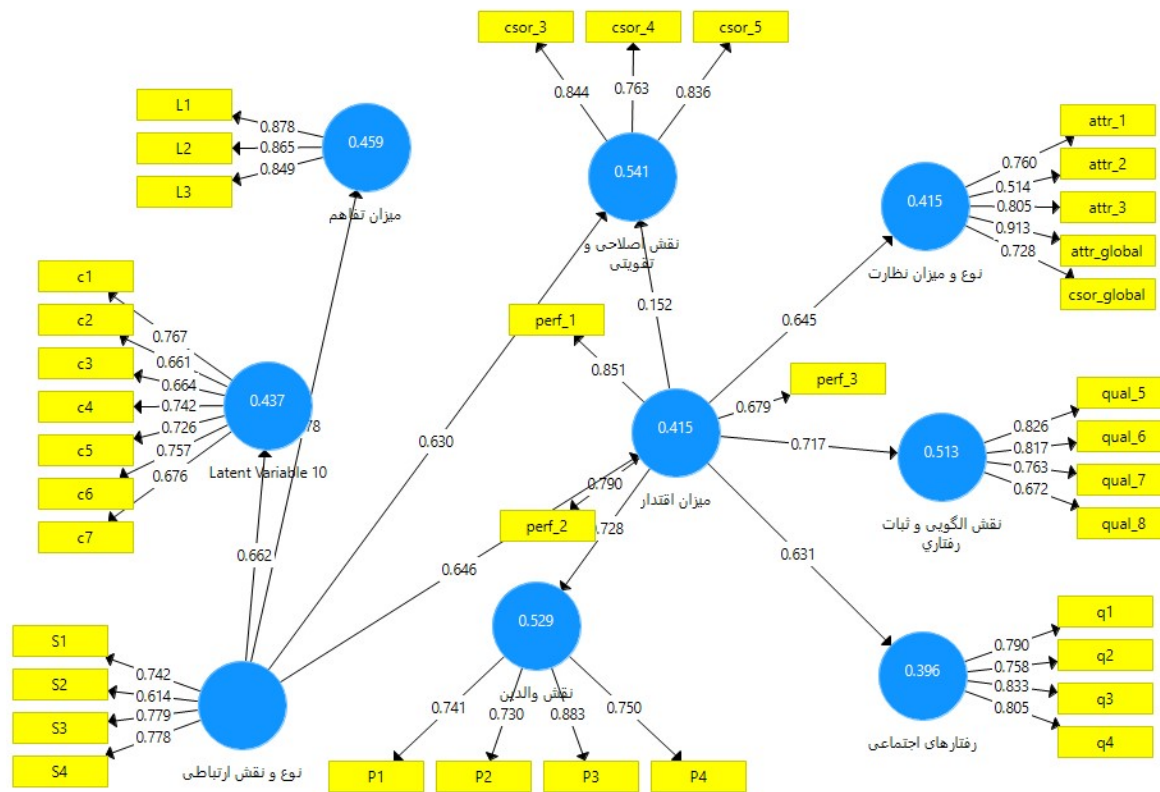
جدول ۱- نتیجه آزمون کولموگروف- اسمیرنف متغیرهای تحقیق

نتیجه آزمون	Z کلموگروف اسمیرنوف اسمیرنوف	سطح معناداری	متغیرها
نرمال	1.25	0.192	میزان تفاهم
نرمال	1.63	0.167	نقش اصلاحی و تقویتی
نرمال	1.03	0.227	نوع و نقش ارتباطی
نرمال	1.71	0.159	میزان اقتدار
نرمال	1.49	0.170	نوع و میزان نظارت
نرمال	1.36	0.186	نقش الگویی و ثبات رفتاری
نرمال	1.09	0.220	نقش والدین (متغیر مستقل)
نرمال	1.25	0.192	رفتارهای اجتماعی (متغیر وابسته)

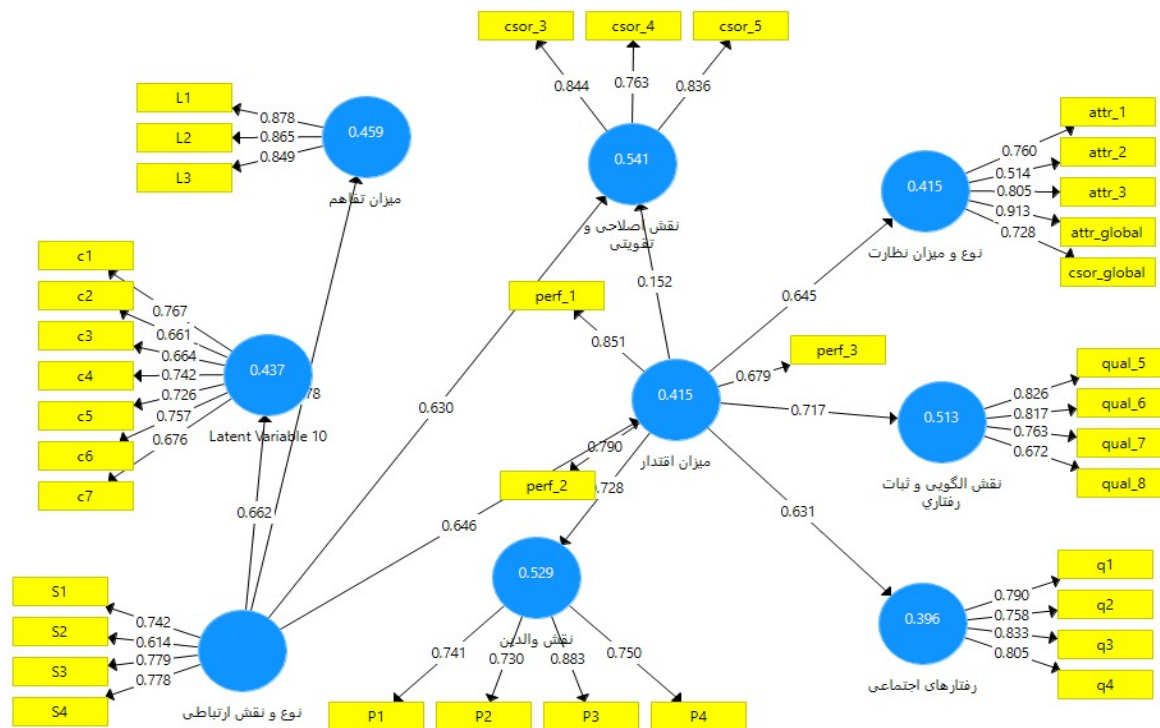
با توجه به جدول بالا مقدار سطح معناداری متغیرها بزرگتر از $0/50$ شده است که نشان از پذیرش فرضیه صفر می‌باشد یعنی متغیرهای مورد نظر از توزیع نرمال پیروی می‌کند، لذا می‌توان از آزمون پارامتریک استفاده کرد. مطابق اطلاعات جدول ۱ سطح معناداری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای همه متغیرها مورد مطالعه بیشتر از $0/05$ می‌باشد. لذا نتیجه آزمون برای هیچ‌یک از متغیرها معنادار نیست و در نتیجه توزیع همه متغیرها نرمال می‌باشد، بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای آزمودن فرضیه‌های پژوهش استفاده کرد.

بررسی مدل پژوهش

برای آزمون مدل این پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart-PLS استفاده شده است. خروجی نرم‌افزار در حالت نمایش ضرایب مسیر نیز در شکل‌های شماره ۱ و ۲ قابل مشاهده است.



شکل ۱- خروجی نرم‌افزار Smart-PLS در حالت مدل ضرایب مسیر



شکل ۲- خروجی نرم‌افزار Smart-PLS در حالت آماره t

متغیرهای پژوهش بالاتر از ۱/۹۶ است که این نشان دهنده تأیید متغیرهای پژوهش است.

در شکل ۲ مشاهده می‌شود که مقادیر t-values هر یک از متغیرهای پژوهش نشان دهنده شدت ضریب معناداری بین متغیرها و مؤلفه‌های آنهاست چون تمامی

جدول ۲- همبستگی بین متغیرها برآزش مدل رگرسیونی مؤلفه‌های نقش والدین بر رفتارهای اجتماعی فرزندان

دوربین واتسون	انحراف معیار خطا	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
2.106	0.438	0.558	0.567	0.753

آزادی را در نظر نمی‌گیرد لذا از ضریب تعیین تعدیل شده برای این منظور استفاده می‌شود که آن هم در این آزمون برابر با ۵۵٫۸ درصد است. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، در نتیجه استقلال باقیمانده‌ها را نتیجه می‌گیریم. با توجه به شاخص‌هایی که عنوان شد، مدل از کفایت لازم برخوردار است.

همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته برابر ۰/۷۵۳ است. ضریب تعیین ۰/۵۶۷ به دست آمده و این مقدار نشان می‌دهد که ۵۶٫۷ درصد تغییرات رفتارهای اجتماعی فرزندان به (میزان تفاهم والدین، نقش اصلاحی و تقویتی والدین، نوع و نقش ارتباطی والدین، میزان اقتدار والدین، نوع و میزان نظارت والدین و نقش الگویی و ثبات رفتاری والدین) مربوط می‌شود. چون این مقدار درجه

جدول ۳- آزمون F (آنالیز واریانس) جهت معنادار بودن رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	درجات آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	Sig.
رگرسیون	65.021	5	13.004	67.499	0.000
باقیمانده	49.706	258	0.193		
کل	114.726	263			

متغیر وابسته: رفتارهای اجتماعی فرزندان

معنادار بودن ضرایب رگرسیونی مؤلفه‌های نقش والدین و رفتارهای اجتماعی فرزندان را به شکل زیر می‌توان نشان داد:

جدول ۴. معنادار بودن ضرایب رگرسیونی مؤلفه‌های نقش والدین و رفتارهای اجتماعی فرزندان

مدل	مجموع مربعات	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد شده	t	Sig.	تولرانس	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	4.050	0.099		40.961	0.000		
میزان تفاهم	1.510	0.241	2.193	6.257	0.000	0.014	73.170
ارتباطی	1.460	0.262	2.437	5.581	0.000	0.009	113.513
اقتدار	0.732	0.163	1.610	4.495	0.000	0.013	76.405
نظارت	1.782-	0.226	2.739-	7.868-	0.000	0.014	72.159
ثبات رفتاری	1.568-	0.220	3.684-	7.221-	0.000	0.006	155.018

متغیر وابسته: رفتارهای اجتماعی فرزندان

۳/۶۴۸ تغییر در متغیر رفتارهای اجتماعی فرزندان ایجاد می‌شود.

ستون ضرایب استاندارد شده نشان می‌دهد که نقش الگویی و ثبات رفتاری والدین دارای بیشترین اثر است؛ زیرا به ازای یک واحد تغییر در متغیر اخلاق عمومی

جدول ۵. آزمون فرضیات پژوهش

فرضیه‌ها	عنوان فرضیه‌ها	توضیحات	رفتارهای اجتماعی فرزندان	نتیجه آزمون
اصلی	والدین بر بروز رفتارهای اجتماعی فرزندان نقش دارند.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد نقش والدین ۰/۱۸۶ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/791 + (0/110)	تأیید
فرعی اول	میزان تفاهم والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر است.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد تفاهم والدین ۰/۴۳۴ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/385 + (0/299)	تأیید
فرعی دوم	نقش اصلاحی و تقویتی والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر است.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد نقش اصلاحی و تقویتی والدین ۰/۱۰۸ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/201 + (0/189)	تأیید
فرعی سوم	نوع و نقش ارتباطی والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر است.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد نوع و نقش ارتباطی والدین ۰/۴۵۳ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/472 + (0/274)	تأیید
فرعی چهارم	میزان اقتدار والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر است.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد میزان اقتدار والدین ۰/۳۲۸ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/537 + (0/168)	تأیید
فرعی پنجم	نوع و میزان نظارت والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر است.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد نوع و میزان نظارت والدین ۰/۴۷۰ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/404 + (0/306)	تأیید
فرعی ششم	نقش الگویی و ثبات رفتاری والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر است.	می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای یک واحد نقش الگویی و ثبات رفتاری والدین ۰/۴۵۲ واحد انحراف معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان ارتقاء پیدا خواهد کرد، در نتیجه ارتباط مثبت دارند.	3/410 + (0/315)	تأیید

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش جهت بررسی فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی تحقیق نیز از آزمون تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج نشان داد، نقش والدین بر بروز رفتارهای اجتماعی فرزندان بر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، تأثیر معناداری وجود دارد. منطبق کردن نتایج پژوهش با یک اصول عملی، نیازمند به هم‌خوانی با نتایج تحقیقات سایر پژوهشگران دارد. در این قسمت، تحلیل یافته‌ها با توجه به ادبیات تحقیق که با متغیرهای این تحقیق ارتباط دارند، توضیح داده می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان داد که والدین بر بروز رفتارهای اجتماعی فرزندان نقش داشتند. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش‌های زارع‌قنات‌نوی (۲۰۲۴)، نجمی و حسن‌زاده (۲۰۰۹) و بخشانی (۲۰۰۹) همخوانی و مشابهت دارد.

در این پژوهش عواملی از قبیل میزان تفاهم والدین (مشورت، تفاهم، حمایت، شنیداری، گفتاری)، نقش اصلاحی و تقویتی والدین (تشویق، تنبیه، محرومیت، پشتیبانی)، نقش ارتباطی والدین (حوصله، درد و دل، رفع خفا، الگو) میزان اقتدار (بازخواست، توسل به زور، حساب و کتاب)، میزان نظارت (سخت‌گیری، مراقبت، کنترل) و نقش الگویی و ثبات رفتاری (مهم بودن، الگو، وفادار و متعهد، عمل به گفته‌ها) در رفتارهای اجتماعی کودکان تأثیرگذار بوده‌اند که با توجه به نتایج پژوهش، نقش الگویی و ثبات رفتاری والدین دارای بیشترین تأثیر بوده و میزان اقتدار دارای کمترین میزان تأثیر بوده است در نتیجه برای اینکه فرزندان احساس مسئولیت و تمایل به کارگروهی و مشارکت اجتماعی بالایی داشته باشند می‌بایست به تقویت عواملی از قبیل مشورت، مهم بودن، وفادار و متعهد بودن و عمل به گفته‌ها را پرداخت.

یافته‌ها پژوهش نشان داد که میزان تفاهم والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر بود. یعنی با ارتقای تفاهم والدین با یکدیگر رفتارهای اجتماعی فرزندان بهبود ملموسی پیدا خواهد کرد. نتایج این تحقیق در این بخش نیز با یافته‌های ذکایی‌فر و موسی‌زاده (۲۰۲۰)، شمسی-هوجقان (۲۰۲۰) و زارع‌قنات‌نوی (۲۰۲۴) همخوانی دارد. در این تحقیق عواملی از قبیل مشورت، تفاهم، حمایت، مهارت شنیداری، مهارت گفتاری تأثیرگذار بوده‌اند که با توجه به نتایج تحقیق، مهارت گفتاری دارای بیشترین تأثیر بوده و حمایت دارای کمترین میزان تأثیر بوده است. لذا برای اینکه رفتارهای اجتماعی فرزندان بهبود پیدا کند می‌بایست عوامل حمایتی را تقویت نمود.

یافته‌ها تحقیق نشان داد که نقش اصلاحی و تقویتی والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر بود. یعنی با

ارتقاء متغیر مستقل متغیر وابسته هم ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای نقش اصلاحی و تقویتی والدین رفتارهای اجتماعی فرزندان هم ارتقاء پیدا خواهد کرد. نتایج این تحقیق از این منظر با پژوهش فقیهی و نجفی (۲۰۱۲) و شمسی‌هوجقان (۲۰۲۰) مشابهت دارد و توسط آنها تأیید می‌گردد. در این تحقیق عواملی از قبیل تشویق، تنبیه، محرومیت، پشتیبانی تأثیرگذار بوده‌اند که با توجه به نتایج تحقیق، تشویق دارای بیشترین تأثیر بوده و محرومیت دارای کمترین میزان تأثیر بوده است. لذا برای اینکه رفتارهای اجتماعی فرزندان بهبود پیدا کند می‌بایست تشویق را تقویت نموده و تنبیه و محرومیت را کاهش دهیم.

یافته‌های تحقیق نشان داد که نوع و نقش ارتباطی والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر بود. یعنی با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد. یا به عبارتی، با ارتقای نوع و نقش ارتباطی والدین معیار رفتارهای اجتماعی فرزندان نیز ارتقاء پیدا خواهد کرد که به معنای ارتباط مثبت آنهاست. این یافته نیز با نتایج تحقیق بهرامی و همکاران (۲۰۱۳) نزدیکی و قرابت دارد. در این تحقیق عواملی از قبیل حوصله، درد و دل، رفع خفا، الگو، تأثیرگذار بوده‌اند که با توجه به نتایج تحقیق، الگو دارای بیشترین تأثیر بوده و حوصله دارای کمترین میزان تأثیر بوده است. لذا برای اینکه رفتارهای اجتماعی فرزندان بهبود پیدا کند می‌بایست عوامل رفع خفا و حوصله و درد و دل را تقویت نمود. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان اقتدار والدین بر نوع رفتار اجتماعی فرزندان مؤثر بود. یعنی با بهبود و افزایش اقتدار والدین رفتارهای اجتماعی فرزندان هم بهبود پیدا خواهد کرد. این مشاهده توسط نتایج مرعشیان (۲۰۱۸) تأیید می‌گردد. در این تحقیق عواملی از قبیل بازخواست، توسل به زور، حساب و کتاب، تأثیرگذار بوده‌اند که با توجه به نتایج تحقیق، حساب و کتاب بیشترین تأثیر بوده و توسل به زور دارای کمترین میزان تأثیر بوده است. لذا برای اینکه رفتارهای اجتماعی فرزندان بهبود پیدا کند می‌بایست عواملی همچون توسل به زور و بازخواست را کاهش داد.

در این تحقیق عواملی از قبیل مهم بودن، الگو، وفادار و متعهد، عمل به گفته‌ها، تأثیرگذار بوده‌اند که با توجه به نتایج تحقیق حاضر، عمل به گفته‌ها بیشترین تأثیر و الگو، دارای کمترین میزان تأثیر بوده است. لذا برای اینکه رفتارهای اجتماعی فرزندان بهبود پیدا کند، می‌بایست عواملی همچون الگو بودن، وفادار بودن و متعهد بودن را افزایش داد.

- Ahmadi, A., & Abadi, K. (2001). *Recognition of Recognitions*. Farhang Kavash Publications. (In Persian)
- Azad Aramaki, T., & Ghafari, G. (2013). *Generational sociology in Iran*. University of Humanities and Social Sciences, Jihad University.. (In Persian)
- Bakhshani, N. (2009). The role of the family in the education of children. *Call of Islam - Education and Family*, 10, 39-40.
- Delshad Tehrani, M. (1999). *Mahehrparvar: Education in Speech Style*. Young Thought House.. (In Persian)
- Faqihi, F., & Najafi, A. (2012). The exemplary role and stability of parents' behavior as factors of children's' emotional education in the family. *Educational Studies*, 5(2), 117-130.. (In Persian)
- Gholami, Y. (2004). *Morals and sexual behaviors*. Daftare Nashre Ma'arif.. (In Persian)
- Hewlett, A., & West, C. (1998). *The war on parents* (translated by Masoumeh Mohammadi). Ma'arif Publishing Office.
- Javan Arasteh, H. (2004). *Social and political rights in Islam*. Daftare Nashre Ma'arif.
- Khalifa, A. (1999). *Psychological study of transformation of values*, translated by Seyed Hossein Sidi. Astan Qods Razavi.
- Levy, A., & Keser, T. (2008). *The impact of feminism on girls in the west* (translated by Fatima Al-Sadat Razavi). Ma'arif Publishing House.
- Marashian, F. (2018). Examining the role of women as mothers of the family in committing risky behaviors of teenagers. *Women and Culture Scientific Research Quarterly*, 2(7), 77-98.
- Mazaheri, H., Bankipourfard, A., (2013). *Family ethics*. Daftare Nashre Ma'arif.
- منابع
 شریفی‌اردانی، علیرضا، یآوری، فاطمه، سجادی‌پور، فریده- سادات، یزدانی، سمیه و ابرقوئی، غلام‌رضا، (۱۴۰۲)، بررسی نقش توانمندی‌های منش والدین در تبیین اجتماعی‌سازی هیجانی با توجه به نقش میانجی‌گری نظم‌بخشی هیجان، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۳ (۴۹) ۴۵-۶۰. doi: 10.22034/spr.2023.381953.1815.۶۰-۴۵
- فرزانه‌جاجرمی، حسن، ستوده‌اصل، نعمت، کهساری، رضا و جهان، فائزه، (۱۴۰۰)، ارائه‌ی مدل علی‌گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس نگرش مذهبی و سبک‌های فرزندپروری والدین: با میانجی‌گری چشم‌انداز زمان، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۱ (۴۲) ۳۵-۵۲. doi: 10.22034/spr.2021.261707.1620.۵۲
- کریمی‌عقدا، هادی، شریفی‌اردانی، علیرضا، صباغیان‌بغداد-آباد، حمید، غلام‌زاده‌باقفی، طیبیه و غلامی، فرزاد، (۱۴۰۳)، تبیین مهارت اجتماعی فرزندان بر اساس تنظیم هیجان والدین: بررسی نقش میانجی‌گری روابط والد-کودک، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۴ (۵۳) ۱۰۸-۹۳. doi: 10.22034/spr.2024.424095.1882
- گودینی، رحمان، پورمحمدرضای‌تجربیشی، معصومه، طهماسبی، سیامک و بیگلریان، اکبر، تأثیر آموزش مدیریت هیجان به مادران بر مشکلات رفتاری فرزندان از دیدگاه والدین. *مجله توان‌بخشی*. ۱۳۹۶؛ ۱۸ (۱) ۲۴-۱۳
- ناظمی‌هرندی، اعظم، جزایری‌شادی و صابری، هاید، نقش استرس والدین و حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی مشکلات هیجانی اجتماعی کودکان شهر پردیس تهران در سال. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*. ۱۴۰۱؛ ۲۵ (۲) ۲۴۴-۲۵۷

- Najmi, S. B., & Hasanzadeh, A. (2009). The relationship between parents' personality traits and the type of disorder in children with behavioral disorders. *Journal of principles of mental health*, 2, 25-41.
- Nouri, A. (2010). Factors of weakening and strengthening the family. *Tahora*, 3(6), 40-60 (In Persian)
- Nowrozi, F., & Bakhtiari, M. (2018). Social participation and social factors affecting it. *Rahbord*, 18(53), 174-201.
- Panahi, M. (2008). Generational distance and family differences and how to deal with it. *Humanities Al-Zahra University* 3, 38-37.. (In Persian)
- Safiri, K., & Cheshmeh, A. (2019). Responsibility of teenagers and its relationship with socialization methods in the family. *Sociology of Education*, 1, 11-28.. (In Persian)
- Shamsi Houjghan, M., Bahreini, M., Ravanipour, M., & Bagherzadeh, R. (2020). Investigating the Relationship between Mothers' Parenting Styles and Social Skills of Primary School Children. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 8(5), 97-107. .(In Persian)
- Yaqoubidoust, M., & Inayt, H. (2013). Investigating the relationship between parenting methods of parents and domestic violence towards children in Ahvaz city. *Social Security Strategic Studies*, 3(8), 99-123.. (In Persian)
- Zare Ghanat Navi, R. (2024). Investigating the effect of parents' behavioral characteristics on raising children, emphasizing the role of social media. *Journal of Accounting and Management Vision*, 7(90), 1-11.
- Zibaeinejad, M., & Sobhani, M. (2012). *An analysis of the female personality system in Islam: A comparative study of the viewpoint of Islam and the West*. Advice.
- Zokaeifar, A., & Mousazadeh, T. (2020). The role of parental parenting styles in predicting social development of preschool children 5 and 6. *Social Psychology Research*, 10(37), 87-100.